گزارش یک
مهسا گربندی

در حالی که نسخه ترمیم‌یافته سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در مسیر تصویب نهایی قرار دارد، انتقادها به محتوای این نسخه و میزان انطباق آن با تحولات جدید کشور بیشتر شده‌است. در این میان، سازمان بسیج فرهنگیان در نامه‌ای خطاب به اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، با طرح ایرادهایی درباره مبانی، اهداف و سازوکارهای اجرایی نسخه پیشنهادی، خواستار توقف فرایند تصویب و بازطراحی سند شده‌است. در این نامه، افزوده‌شدن چند بند و عبارت به متن پیشین برای پاسخگویی به تحولات اخیر کافی دانسته نشده و نسبت به تکرار چرخه‌ای ۱۵ ساله از تدوین زیرنظام‌ها و بازنویسی نقشه‌های راه هشدار داده شده‌است.

این انتقادها در شرایطی مطرح می‌شود که سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از زمان ابلاغ در سال ۱۳۹۰، با وجود پیش‌بینی بازنگری پنج‌ساله، همچنان با چالش‌های جدی در اجرا و بازنگری روبه‌رو است. برخی از فعالان تعلیم و تربیت نیز با اشاره به فاصله میان اهداف سند و تحولات پیش‌روی کشور، معتقدند نسخه ترمیم‌شده پاسخ روشنی برای ترسیم مسیر آینده نظام تعلیم و تربیت ندارد.

۱۵ سال انتظار برای بازنگری!

حمیدرضا قائم‌پناه، فعال تعلیم و تربیت، در گفت‌وگو با «جوان» در تشریح پیشینه بازنگری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به ضرورت بازبینی دوره‌ای آن اشاره می‌کند و می‌گوید: «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۰ ابلاغ شد و قرار بود هر پنج سال یک‌بار، متناسب با اقتضائات روز، شرایط جامعه و تحولات، بازنگری شود. با این حال، اکنون نزدیک به ۱۵ سال از ابلاغ این سند گذشته است. با وجود آنکه رهبر شهید بارها بر اجرای این سند تأکید کرده بودند، در این مدت اراده جدی برای اجرای آن شکل نگرفت و حتی بازنگری سند نیز مورد توجه قرار نگرفت.»

او با اشاره به اینکه فرایند اخیر به جای بازنگری، با عنوان ترمیم پیش رفته‌است، ادامه می‌دهد: «پس از گذشت ۱۵ سال، موضوع ترمیم سند مطرح شد و مجموعه شورای عالی آموزش و پرورش، ستاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی و خود شورا در این فرایند ورود کردند. این مسیر در طول یک سال گذشته و از طریق رفت‌وبرگشت‌های متعدد دنبال شد، اما نسخه‌ای که اکنون در مرحله بررسی و تصویب نهایی شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار دارد، همچنان با ایرادهایی روبه‌روست که باید به آنها توجه شود.»

به گفته قائم‌پناه، یکی از اشکالات اصلی نسخه پیشنهادی، کلی‌گویی و ابهام مفهومی است: «اگرچه برخی تعابیر در متن سند دیده می‌شود، اما همان اشکالاتی که به نسخه قبلی وارد می‌کردیم، همچنان در این نسخه نیز وجود دارد. مسئله اصلی ما تحول بنیادین در آموزش و پرورش است، مطالبه‌ای که بیش از ۳۷ تا ۳۸ سال از سوی رهبر شهید مطرح بود. با این حال، پرسش جدی این است که این نسخه تا چه اندازه می‌تواند نظام تعلیم و تربیت را در مسیر تحول بنیادین قرار دهد؟»

او با پیوند زدن ضرورت بازنگری به شرایط جدید کشور، مسئله را فراتر از اصلاح چند بند و عبارت در سند می‌داند: «ما دیگر نمی‌توانیم به وضعیت پیش از ۹ اسفند بازگردیم. ایران در حال ورود به عرصه قدرت جهانی است و سؤال اینجاست که نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور با چه سند و نقشه راهی می‌خواهد در این عرصه قدم بردارد؟ آیا سندی که اشکالات جدی ۱۵ سال گذشته را همچنان با خود دارد، می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری برای ۱۵ یا ۲۰ سال آینده باشد؟ در چنین شرایطی، تکلیف تحول بنیادین چه می‌شود؟»

قائم‌پناه همچنین معتقد است عنوان «ترمیم» انتظارات مشخصی درباره بهبود و پیشرفت محتوای سند ایجاد می‌کند، انتظاراتی که به باور او در نسخه پیشنهادی به‌طور کامل محقق نشده‌است: «وقتی از ترمیم صحبت می‌کنیم، طبیعتاً انتظار می‌رود سند دست‌کم یک یا دو گام رو به جلو بردارد و نسبت به وضعیت قبلی پیشرفت کند. اگر نسخه جدید نتواند چنین حرکتی داشته باشد، اصرار بر تدوین و ابلاغ آن و سپس درگیر کردن ساختار اجرایی با این نسخه چه مزیتی خواهد داشت؟»

او همچنین به نقش نقدهای کارشناسی در اصلاح پیش‌نویس اولیه اشاره می‌کند: «نسخه اولیه پیش‌نویس سند با اشکالات بسیار زیادی روبه‌رو بود، اما با ورود کارشناسان، جریان‌های دغدغه‌مند و معلمان، بسیاری از این چالش‌ها برطرف شد و حتی برخی ایرادهای بسیار جدی نیز اصلاح شدند. با این حال، باید توجه داشت که این بررسی‌ها و گفت‌وگوها پیش از شهادت رهبر عزیز، آغاز جنگ رمضان و وقوع بسیاری از تحولات مهم اخیر انجام شده‌بود.»

قائم‌پناه در پایان، مسئله اصلی را نسبت میان کیفیت سند و مختصات شرایط جدید کشور می‌داند: «ما برای حضور در عرصه جهانی به نظام تعلیم و تربیت و سندی نیاز داریم که از نظر تراز و کیفیت، متناسب با این شرایط باشد. حال سؤال این است که آیا می‌توان با چنین سندی، آینده نظام تعلیم و تربیت کشور را ترسیم کرد؟»

نامه سازمان بسیج فرهنگیان

اما انتقادها به نسخه ترمیم‌یافته سند تحول بنیادین به ارزیابی‌های کارشناسی محدود نمانده‌است. سازمان بسیج فرهنگیان نیز در نامه‌ای خطاب به اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، با طرح ایرادهایی درباره مبانی، اهداف و سازوکارهای اجرایی نسخه پیشنهادی، خواستار توقف فرایند تصویب و بازطراحی سند شده‌است. این نامه به شرح زیر است:

اعضای محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی

در شرایطی که کشور درگیر نبردی وجودی در عرصه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است، نسخه ترمیم‌یافته سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در مسیر تصویب قرار گرفته است. در چنین وضعیتی، تصویب سندی که قرار است جهت‌گیری کلان نظام تعلیم و تربیت را تعیین کند، بدون بازنگری جدی در مبانی اجرایی و نسبت آن با اقتضائات کشور، چه توجیهی دارد؟ بازنگری سند در چنین بزنگاهی، باید پاسخی راهبردی به تحولات عینی جامعه و تعیین نقش مسئولانه نسبت به آینده باشد.

مفهوم «ترمیم» ذاتاً ایجاب می‌کرد که نسخه جدید، پاسخی مستقیم به این رویدادها باشد. گرچه بازتاب این شرایط تا حدی در متن دیده می‌شود - نظیر اشاره بند «هـ» راهکار ۲-۵ به مقاومت مردم در برابر جنگ‌های تحمیلی و نقش شهادت امام خامنه‌ای در انسجام ملی، نام‌بردن راهکار ۶-۲ از «جنگ‌شناختی و تهاجم ترکیبی»، تأکید بند «ن» راهکار ۲-۵ بر «تاب‌آوری و آمادگی‌های دفاعی» و مأموریت راهکار ۲-۲۷ به وزارتخانه برای مواجهه با «تهدیدها و مخاطرات نوظهور»، اما این حضور در حد چند بند محتوایی متوقف مانده است و عملاً راهگشای دستگاه عظیم تعلیم و تربیت نخواهد شد. مهم‌تر آنکه در لایه اهداف عملیاتی، شاخص‌ها و سازوکارهای اجرایی، اثری از واقعیت‌های جدید نیست. افزودن چند عبارت به سند، پاسخ به تحولات سرنوشت‌ساز کشور نیست. با تصویب این نسخه نیز همان چرخه فرسایشی، تکرار خواهد شد: تدوین زیرنظام‌ها، بازنویسی نقشه‌های راه و آغاز فرایندی چندساله که هر بار تمرکز و توان نظام آموزشی را مستهلک می‌کند. این سازوکار نزدیک به ۱۵ سال آزموده شده و نتایج آن در گزارش‌های نظارتی موجود است؛ منطقی که هرگز نتوانست نظام آموزشی را متحول کند یا مسائل تعلیم و تربیت را در اولویت تصمیم‌گیران ملی قرار دهد. سند آینده آموزش و پرورش نباید تکرار صورت‌بندی‌های پیشین باشد، اقتضای شرایط پس از نبردهای اخیر و شهادت رهبری عظیم‌الشأن، توقفی شجاعانه در فرایند تصویب شتابزده است تا ایده‌های کارآمدتر به بوته نقد و بررسی گذاشته شوند، چراکه تکرار یک سازوکار ناکارآمد در چنین برهه خطیری، خطایی راهبردی و جبران‌ناپذیر خواهد بود که آشکارا از شتابزدگی در تدوین حکایت دارد؛ عجله‌ای که فرصت درک عمیق مسائل نوظهور و طراحی راهبردهای متناسب را سلب کرده‌است.

بر همین اساس، سه پرسش کلیدی در برابر واضعان و مروجان نسخه ترمیم‌یافته قرار دارد:

۱. پاسخ به الزامات هشت‌گانه: آیا نسخه ترمیم‌یافته برای اصول برآمده از پیام‌های رهبری (هویت ملی و استقلال فرهنگی، شکستن مرزهای دانش، جایگاه معلم، فراراهبردی بودن فرهنگ و تربیت، توجه به اقشار منبع فرهنگ‌ساز، پیوست انسجام اجتماعی، خودافزایی نسل جوان و نقش‌آفرینی علمی) سازوکاری عملیاتی طراحی کرده‌است؟ جایگاه معلم عمدتاً به متغیرهای اداری نظیر «صلاحیت»، «گواهینامه» و «معیشت» تقلیل یافته و برای «فراراهبردی بودن تربیت»، ضمانت اجرایی حقوقی جهت‌هم‌راستاسازی سایر دستگاه‌ها تعریف نشده‌است.

۲. انعکاس رخدادهای پس از اسفند ۱۴۰۴: آیا تحولات اخیر (جنگ، شهادت رهبری و بعثت اجتماعی ملت) تأثیری ساختاری بر اهداف، راهکارها و شاخص‌های سند گذاشته‌اند، یا تنها در قامت واژگانی الحاقی و تزئینی به کار رفته‌اند؟ و آیا کیفیت انتظارات از شکل‌گیری هویت نسلی در آینده پس از این بعثت، در این سند به عنوان یک کل به‌هم‌پیوسته دیده شده‌است؟

۳. امکان‌سنجی الگوی اجرایی: آیا منطق بوروکراتیک نسخه ترمیم‌یافته باتکیه‌بر تجربه ۱۵ ساله، توان عبور دادن نظام آموزشی از رخوت موجود را دارد؟ انبوه شاخص‌ها، نبود اولویت‌های اجرایی و کوه راهکارها، کارآمدی سند مذکور را با تردید جدی مواجه کرده‌است.

تصویب این نسخه با ضعف‌های بنیادین یادشده، ناکامی‌های گذشته را به آینده منتقل می‌کند بنابراین پیشنهاد می‌شود فرایند تصویب متوقف و سند با توجه به تحولات ایران پس از این بعثت اجتماعی و با تحلیل صورت‌بندی آینده تغییرات جهان، به‌ویژه در حوزه آموزش، بازطراحی شود. در این بازطراحی، باید ضمن چابک‌سازی فرایندها، اجرای سند از نظامات اداری پرتکلف جدا شود.

نامه به شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره ضرورت بازطراحی نسخه ترمیم‌یافته سند تحول بنیادین

۱۵ سال سند بدون تحول!

فعال تعلیم و تربیت در گفت‌وگو با «جوان»: ما برای حضور در عرصه جهانی به سندی متناسب با شرایط جدید نیاز داریم

اما سند ترمیم‌یافته تحول بنیادین آموزش‌وپرورش نشانه‌های چندانی از پاسخ به این تحولات ندارد



رضا دهشیری | جوان

آب مقطر ۱۵۰ میلیونی و واکسن آنفلوآنزای ۱۵ میلیونی!

هشدار! خرید دارو و واکسن از بازار غیررسمی و مبادی غیرقانونی می‌تواند سلامت شما و عزیزانتان را به خطر بیندازد

گزارش ۲
زهرا چیذری

آب مقطر ۱۵۰ میلیون تومانی! این آب مقطر هیچ ویژگی خاصی نداشته و فقط آب مقطر بوده‌است، اما آنچه موجب‌شده تا این ویال حاوی آب مقطر به قیمت ۱۵۰ میلیون تومان به فروش برسد، دقیقاً ویالی بوده که آب مقطر در آن قرار گرفته‌است. در واقع ماجرا به یک تقلب دارویی بازمی‌گردد. ویالی که پس از تخلیه، با آب مقطر پر شده و با نصب برچسب داروی موردنظر، به جای داروی اصلی به فروش رسیده بود. این ماجرا یکی از نمونه‌های خرید دارو از فضای مجازی و بازارهای غیررسمی است که علاوه بر هدر دادن وقت و هزینه شما می‌تواند سلامت بیماران را هم به خطر بیندازد. با وجود این، همچنان بازار غیررسمی دارو در کشورمان حسابی داغ‌داغ است؛ همچنان که همین حالا هستند کسانی که برای خرید واکسن آنفلوآنزای هلندی حاضرند ۱۵ میلیون تومان هزینه کنند، آن هم در شرایطی که امسال دولت یک دوز هم واکسن هلندی وارد نکرده و تمام واکسن‌های ادعاشده قاچاق یا تقلبی هستند.

بساط داروهای قاچاق و تقلبی هیچ‌وقت از کشورمان جمع نشد، بلکه گسترش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، کار را برای قاچاقچیان دارو سهل‌تر کرده‌است.

یکی از آخرین نمونه‌های این تقلب‌ها در فروش ویال آب مقطر به قیمت ۱۵۰ میلیون تومان است!

ماجرای آب مقطر ۱۵ میلیون تومانی

سعید مهرزادی، مدیر کل دفتر بازرسی و مدیریت عملکرد سازمان غذا و دارو، با هشدار نسبت به عرضه داروهای تقلبی در فضای مجازی و بازار غیررسمی گفت: «در بررسی‌های انجام‌شده، اندازه، شکل ظاهری و سایر مشخصات ویال با نمونه اصلی مقایسه و مشخص شد ویال موردنظر متعلق به داروی دیگری بوده‌است؛ این ویال پس از تخلیه، با آب مقطر پر شده و با نصب برچسب داروی موردنظر، به جای داروی اصلی به فروش رسیده بود.»

وی با اشاره به اختلاف قابل توجه قیمت این دارو در شبکه رسمی و بازار آزاد اظهار کرد: «قیمت این دارو در شبکه رسمی و با ارز دولتی حدود ۹۰ میلیون تومان است، در حالی که تهیه آن از بازار آزاد حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیون تومان هزینه دارد.»

مدیر کل دفتر بازرسی و مدیریت عملکرد سازمان غذا و دارو با تأکید بر خطرات خرید دارو از منابع غیرمجاز تأکید کرد: «شباهت ظاهری دارو به نمونه اصلی، به‌تنهایی نشانه اصالت آن نیست و حتی ممکن است ویالی با برچسب داروی اصلی، حاوی ماده‌ای کاملاً متفاوت باشد.»

مهرزادی هشدار داد: «خرید دارو از فضای مجازی و بازار غیررسمی، علاوه بر تحمیل خسارت مالی سنگین، می‌تواند سلامت بیمار و عزیزان او را به خطر بیندازد؛ بنابراین، دارو باید از مسیرهای رسمی و مجاز تهیه شود.»

کلاهبرداری از شیفتگان واکسن اروپایی!

اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود و امسال با عنایت به تأخیر جهانی در تولید واکسن آنفلوآنزا و واردات این واکسن از روسیه و چین، بخشی از جامعه که به واکسن‌های اروپایی عادت کرده‌اند، در پی تهیه این واکسن‌ها در دام کلاهبرداران افتاده‌اند و به واکسن‌های قاچاقی روی آورده‌اند که نوع هلندی و فرانسوی آن چیزی حدود ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان آب می‌خورد.

واکسن‌هایی که بهمن صبور، عضو هیئت‌مدیره انجمن داروسازان و قائم‌مقام سازمان نظام پزشکی، درباره ماهیت آنها تأکید می‌کند: «واکسن‌های هلندی که با قیمت‌های ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان در برخی داروخانه‌ها و مراکز درمانی عرضه می‌شوند، از مبادی رسمی وارد کشور نشده‌اند و عرضه آنها تخلف محسوب می‌شود.» بنا به تأکید وی، واکسن‌های هلندی به صورت رسمی وارد کشور نشده‌اند و واکسن‌هایی که با چنین قیمت‌هایی عرضه می‌شوند، از مبادی رسمی تأمین و واردات کشور عبور نکرده‌اند، بلکه قاچاقچیان این واکسن‌ها را از طریق کولبرها یا به صورت چمدانی وارد کرده‌اند؛ بنابراین، عرضه این محصولات با ابهامات جدی درباره منشأ تأمین و نحوه نگهداری آنها همراه است.

واکسن‌هایی خارج از زنجیره تأمین

صبور درباره استفاده از این واکسن‌ها هشدار می‌دهد و می‌گوید: «درباره واکسن‌هایی که با قیمت‌های ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان عرضه می‌شوند، نمی‌توان از زنجیره تأمین و نگهداری آنها اطمینان داشت. مشخص نیست این محصولات از چه مسیری وارد شده‌اند و آیا در تمام مراحل انتقال، شرایط استاندارد زنجیره سرد رعایت شده‌است یا خیر.» بنا به تأکید صبور، نظارت بر منشأ تأمین دارو و واکسن و همچنین شرایط نگهداری آنها اهمیت بسیار زیادی دارد. واکسن محصولی حساس است و در صورت رعایت نشدن شرایط زنجیره سرد، ممکن است اثربخشی آن کاهش یابد، بنابراین، صرف خرید واکسن با قیمت بالا به معنای اطمینان از کیفیت و سلامت آن نیست. اگر داروخانه‌ای اقدام به عرضه واکسنی کند که از مبادی رسمی وارد کشور نشده‌است، صددرصد مرتکب تخلف شده‌است. عرضه و فروش دارو و واکسن باید در چارچوب ضوابط قانونی انجام شود و مراکزی که مجوز لازم برای این فعالیت را ندارند، حق عرضه و فروش آنها را نخواهند داشت. قائم‌مقام سازمان نظام پزشکی درباره اقدام افرادی که پیش‌تر این واکسن‌ها را خریداری یا تزریق کرده‌اند، می‌گوید: «افرادی که مدارک و مستندات خرید واکسن از مراکز عرضه‌کننده را در اختیار دارند، می‌توانند با مراجعه به معاونت غذا و داروی مربوطه، موضوع را گزارش و شکایت خود را پیگیری کنند.»

واکسن، دارو یا حتی مکمل‌ها فرقی نمی‌کند؛ همه این‌ها کالاهای سلامت‌محور هستند که فقط و فقط باید از مبادی رسمی و داروخانه‌ها و مراکز درمانی تهیه شوند؛ در غیر این صورت ممکن است هر یک از این داروها تقلبی و ناسالم باشند.



خبر

کشاورزی بزرگ‌ترین مصرف‌کننده پساب در کشور است

مدیر کل دفتر حفاظت و مدیریت آب و خاک سازمان حفاظت محیط‌زیست با اشاره به مصرف سالانه بیش از ۹۹۳ میلیون مترمکعب پساب در بخش‌های کشاورزی و فضای سبز کشور گفت: توسعه استفاده از پساب تنها زمانی یک دستاورد محیط‌زیستی محسوب می‌شود که با رعایت استانداردهای کیفی، کنترل آلاینده‌ها و جلوگیری از ورود مواد خطرناک به خاک، منابع آب زیرزمینی و زنجیره غذایی همراه باشد.

محسن شهریاری مقدم با اشاره به محدودیت منابع آب متعارف و تداوم خشکسالی‌ها اظهار کرد: بر اساس آمار ثبت‌شده، سالانه ۸۸۳ میلیون و ۵۳۰ هزار مترمکعب پساب در بخش کشاورزی و ۱۰۹ میلیون و ۷۲۰ هزار مترمکعب در آبیاری فضای سبز کشور مصرف می‌شود؛ به این ترتیب، از هر ۱۰۰ مترمکعب پساب تولیدی، حدود ۴۸ مترمکعب در کشاورزی و ۶ مترمکعب در فضای سبز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

شهریاری مقدم با بیان اینکه کشاورزی بزرگ‌ترین مصرف‌کننده پساب در کشور است، تصریح کرد: این ظرفیت از یک‌سو فرصتی برای کاهش برداشت از منابع آب متعارف محسوب می‌شود و از سوی دیگر، به دلیل احتمال انتقال آلاینده‌ها به محصولات کشاورزی و زنجیره غذایی، نیازمند نظارت دقیق و مستمر است.

مدیر کل دفتر حفاظت و مدیریت آب و خاک سازمان حفاظت محیط‌زیست با اشاره به تمرکز مصرف پساب در برخی استان‌ها گفت: استان‌های تهران، اصفهان و خراسان رضوی در مجموع با مصرف سالانه ۶۴۶ میلیون و ۳۲۰ هزار مترمکعب پساب در کشاورزی و فضای سبز، حدود ۶۵ درصد کل مصرف ثبت‌شده کشور در این دو بخش را به خود اختصاص داده‌اند.

وی افزود: تهران با مصرف سالانه ۳۷۹ میلیون و ۸۳۰ هزار مترمکعب پساب، حدود ۳۸ درصد مصرف کشور را به خود اختصاص داده و نرخ بهره‌برداری آن ۸۳/۶ درصد است؛ با وجود این، فاصله تولید و مصرف ثبت‌شده پساب در استان همچنان به حدود ۷۴ میلیون و ۶۲۰ هزار مترمکعب می‌رسد. شهریاری مقدم ادامه داد: اصفهان با مصرف سالانه ۱۵۳ میلیون و ۸۱۰ هزار مترمکعب در جایگاه دوم قرار دارد که از این میزان، ۴۲ میلیون و ۱۵۰ هزار مترمکعب، معادل ۲۷.۴ درصد، در آبیاری فضای سبز مصرف می‌شود. خراسان رضوی نیز با مصرف ۱۱۲ میلیون و ۶۸۰ هزار مترمکعب و نرخ بهره‌برداری ۹۵/۸ درصد، از استان‌های دارای عملکرد کمّی بالا در این حوزه است.